حزب توده و دانشجویان ایرانی در خارج

در مصرف ارز دانشجوئی باید اکیداً صرفه جوئی شود . نقل از نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران شماره ۵۰۴ سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ تا کثیر از واحد برلن .

" باید از خروج بیرویه ارز تحصیلی جداً جلوگیری کرد " ـ نقل از نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران شماره ۴۷۴ یکشنبه ۹ فروردین ۱۳۶۰ تکثیر از واحد برلن .

اینکه ارز تحصیلی ۶ هزار نفر که مرتکب تقلب و تخلف شده‌اند، قطع شده عملی است بجا که تایید همگان را دارد. اما آیا این به‌تنهایی کافی است؟

مسئله بررسی وضع دانشجویان خارج ابعاد مختلفی دارد، که فقط یک‌بعد آن تقلب و تخلف است. بسیاری از این دانشجویان متعلق به خانواده‌های فراری طاغوتی هستند، که در حسابهای بانکی خارجشان، یا در چمدان‌هائی که با خود به خارج انتقال داده‌اند و یا حواله‌های ارز قاچاقی که در خارج دریافت کرده‌اند، پول کافی دارند، تا هزینه تحصیل فرزندانشان را بپردازند. گروه دیگری از این دانشجویان از خانواده‌های مرفه مقیم کشور هستند که دولت الزامی ندارد از صندوق فقیر این مردم برای فرزندان آنها ارز بفرستد. علاوه‌برآنکه عده کثیری از دانشجویان مقیم خارج اصولا مخالف انقلاب ایرانند، به‌زیان این انقلاب تبلیغ میکنند و شب و روز سرگرم فعالیتهای ویرانگرانه هستند. این کسان تا نظام جمهوری اسلامی ایران باقی است به کشور بازنخواهند گشت و روزی که از موفقیت توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب علیه انقلاب ما مایوس و ناامید شوند، برای دریافت ورقه اقامت دائم در کشورهای اروپای غربی و آمریکا بدست‌وپا خواهند افتاد. درقبال چنین کسانی دولت چه وظیفه دارد که هزینهٔ گروهی ضدانقلاب خرابکار ـ و دربهترین شکل ـ بیکاره را از کیسه مردم بپردازد؟

بررسی وضع دانشجویان مقیم خارج کشور باید با توجه به تعلق طبقاتی، تعلق خانوادگی، پیشینه سیاسی و مواضع سیاسی کنونی و رشته تحصیلی آنها باشد. اگر بررسی در این ابعاد انجام شود، با اطمینان میتوان گفت که از میان ۲۵۰ هزار نفر دانشجوی مقیم خارج، حتی ده هزار نفر هم باقی نخواهند ماند که دولت ملزم به تامین ارز تحصیلی آنها باشد.

هدف از دریافت پرسشنامه از دانشجویان تنها نباید این باشد که افراد متقلب و جاعل از دریافت ارز محروم شوند، بلکه بایدبویژه نیز باشد که فقط‌وفقط به افراد معدودی ارز پرداخت شود که هم رشته تحصیلی‌شان مورد نیاز کشور است، هم درس‌خوان هستند، هم مومن به انقلابند و هم بی‌تردید، پس از پایان تحصیل، به کشور بازخواهند گشت.

در شرایطی که اقتصاد کشور بعلت شرایط ویژهٔ بعدازانقلاب و جنگ تحمیلی، اجازه پرداخت اضافه‌دستمزد هرساله کارگران زحمتکش را نمیدهد، میزان عیدی و پاداش آنان تقلیل می‌یابد، زحمتکشان بدرستی به قناعت و صرفه دعوت میشوند و آن زن و مرد روستانشین چندعدد تخم‌مرغ خود را برای کمک به رزمندگان‌جبهه‌ها هدیه میکنند، در شرایطی که چندمیلیون‌نفر جنگ‌زده داریم و میلیاردها تومان هزینه بازسازی مناطق درهم کوبیده جنگی درپیش است، چراباید حاتم‌وار ارزمحدود مملکت‌را برای‌دردانه‌های‌خانواده‌های طاغوتی و مرفه ارسال داریم؟ مگر دانشگاههای کشور بدلیل «غرب‌زدگی» تعطیل نشد؟ پس چرا این دویست و پنجاه هزار جوان را با هزینه این مردم محروم در مراکز اصلی شیوهٔ زندگی غرب نگاه داشته‌ایم؟ چرا صدها هزار دانشجوی خانواده‌های متوسط و پائین را از ترس غربزدگی در خیابانها رها کرده‌ایم، اما برای فرزندان خانواده‌های مرفه پول میفرستیم تا غربزده باز آیند؟

تعداد اخیراز میان دانشجویان مقیم خارج، بادرنظرگرفتن معیارهای‌زیرین، باید انتخاب شوند:

۱ ـ متعلق به خانواده‌های طاغوتی وفراری نباشند.
۲ـ نیاز آنان به دریافت ارز تحصیلی مسلم باشد.
۳ـ در رشته‌هایی دانش‌اندوزند که موردنیاز کشور است.
۴ـ سابقهٔ فعالیت سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی نداشته باشند.
۵ـ متعهد به بازگشت به ایران باشند.

پس از آن که نیروی مورد نیاز اقتصادکشور ازمیان انبوه‌دانشجویان ایرانی مقیم خارج انتخاب شد، تازه باید میزان ارز تحصیلی را منطبق با هزینه‌زندگی توام باقناعت‌دانشجویی تعیین کرد و نه آن‌که با گشاد بازی‌ارز کشور را هدر داد. بدینسان خواهیم توانست میزان ارز دانشجویی را به حداقل لازم برسانیم و مبالغ صرفه‌جویی را بزخم اقتصاداز هم‌گسیخته خود بزنیم.

اقتصادکشور بنوسازی نیازمند است‌واین نوسازی‌جز ازطریق سرمایه‌گذاری دولتی میسر نیست. کشور در چنبر یک جنگ تحمیلی گرفتار است و زیان‌های ناشی از جنگ اندک نیست. برای‌جبران‌این خسارات و آن‌نوسازی ما بهردلار خودنیاز داریم وبخردانه نیست که آنرا مفت و مسلم وحاتم‌وار از دست بدهیم.

نکته شایان توجه دیگر آن که، بدنبال تصمیم به انقلاب فرهنگی، دانشگاههای کشور تعطیل شد و یکی از علل ذکرشده، ضرورت محو سلطه و نفوذ فرهنگ نواستعماری بود. اگراین اصل درست را در دانشگاههای کشور می‌پذیریم، چرا در مورد دانشجویان مقیم خارج، که‌درقلب فرهنگ‌استعماری تحصیل می‌کنند‌ودرمهدزایش‌شیوه‌های زندگی سرمایه‌داری امپریالیستی، سالهای جوانی خود را می‌گذرانند، قبول نداریم؟ چرا جوانان متعلق به خانواده‌های متوسط را، که‌استطاعت مالی‌شان اجازه تحصیل در خارج را نداده است، به خیابان‌ها می‌ریزیم، ولی برای‌جوانان متعلق به‌خانواده‌های مرفه و مستکبر، ماه‌به ماه حواله ارزی صادرمیکنیم، تادرجوامع امپریالیستی که انقلاب ما شیوه‌های زندگی آنرا طرد کرده است، تحصیل کنندویاارز بگیرند و تحصیل هم نکنند؟

بااطمینان می‌توان گفت‌که‌صدی نوددانشجویانی که هم‌اکنون‌درخارج از کشور به‌سرمی‌برند، باانقلاب‌ایران هم‌سو وهمراه‌نیستند و از این‌اکثریت، اقلیتی حتی ضدانقلابی فعال هستند ومستقیم وغیرمستقیم شریک و سهیم در دسیسه‌های‌ضدانقلاب‌خارج‌ازکشورند. آیاضرورتی داردکه‌ما با پول‌این‌مردم نیازمند، که خود نه‌غذای کافی، نه پوشاک، نه آموزش و نه بهداشت و درمان‌دارند، ماردرآستین بپرورانیم؟ آیا لازم است که لقمهٔ دهان کارگر و دهقان را در دهان دشمنان انقلاب بگذاریم؟ عادلانه است پول‌مردمی‌را که با خون خود انقلاب را به پیروزی رسانده‌اند، خرج تحصیل کسانی‌کنیم که پنج درصد آن‌ها هم قصد بازگشت به میهن را ندارند؟

باید هرچه زودتر براین بی‌عدالتی فاحش پایان داد و از خروج بی‌رویه ارز دانشجویی جلوگیری‌کرد.

آیا توده‌ای های ادغام شده در راه کارگر با چنین گذشته افتخار آمیز مبارزاتی، آینده افتخار آمیز مبارزاتی برای راه کارگر به ارمغان خواهند آورد؟

"ضد انقلاب در سوئد را افشاء و محکوم کنیم

هموطنان عزیز!

انقلاب شکوهمند مردم ایران به‌رهبری امام خمینی ضربه سنگینی به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا وارد آورد. تعمیق انقلاب و طرد لیبرالها و بنی صدر ضربه دیگری بود به ضدانقلاب داخلی و امریکا، دشمن شماره یک همه خلقهای جهان. از اینرو امپریالیسم زخم خورده و ارتجاع داخلی که با انقلاب ایران دشمنی آشتی ناپذیر دارند، برای بدست‌آوردن مواضع از دست رفته، توطئه سراسری جدیدی را تدارک دیدهاند.

پس از شکست توطئه‌های مختلف مانند تحریم اقتصادی، حمله نظامی (جریان طبس)، طرح کودتای نوژه، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، اکنون امپریالیسم جهانخوار امریکا خود را برای توطئه جدیدی آماده کرده که هدف آن براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران از راه قهرآمیز است. ترور یکی از اجزاء این توطئه است. ترور چند هدف را دنبال می‌کند:

- اول نابودی شخصیتهای سرشناس که بتدریج راه را برای افراد شناخته نشده باز میکند، در مهمان آنها امریکا عناصر خود را جا زده. (پا از بین بردن بنی صدر بعد از فرار از تلویزیون سوئد).

- هدف دوم امپریالیسم از تروریسم کنونی جلوگیری از تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران است مهمترین انقلابی ما لحظات بسیار حساسی را میگذراند و بیش از یکسال است که برای دفع تجاوز نظامی رژیم صدام تلاش می‌کند. در چنین شرایط حساسی گروههای چپ رو مبارزه مسلحانه بر علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرده‌اند. این مسئله کاملا با هدف امپریالیسم امریکا مطابقت می‌کند.

- هدف سوم عبارت است از آماده ساختن شرایط برای وارد آوردن ضربه نهائی به جمهوری اسلامی ایران. الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه امریکا با بی‌شرمی بی‌نظیری که از ویژگیهای امپریالیستها است اظهار داشت: "در صورت آغاز جنگ داخلی در ایران، اپالات متحده" امریکا امکان خواهد داشت، به طرف مورد نظر کمک سریع نماید. تشکیل ارتش واکنش سریع و تمام تدارکاتی که امریکا در اطراف ایران می‌بیند، برای همین نقشه احتمالی است (کیهان، ۱۷ اسفند ۱۳۵۹).

جنایات وحشیانه گروههای تروریستی طی ماههای اخیر منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰۰ نفر از مردم بیگناه میهنمان شد. انفجار بمب در مقر حزب جمهوری اسلامی و قتل ۷۴ تن از مسئولین جمهوری اسلامی، انفجار بمب در نخست وزیری و قتل آقای رجائی رئیس جمهور و آقای باهنر نخست وزیر، انفجار بمب در مقر دادستانی، انفجار بمب و تیراندازی در اماکن عمومی، راه آهن، منازل، کشتن صدها پاسدار و رجال سیاسی دیگر و آتش زدن اتوبوس شرکت واحد شیراز با ۳۰ نفر سرنشین از جمله سوختن دختر بچه ۲ ساله نمونه‌های چندی از اعمال وحشیانه و فاشیستی آنها را آشکار می‌نماید.

چنانکه می‌بینیم امپریالیسم جهانی با کمک ضدانقلاب داخلی، ساواکیها، مائوئیستهای رنجبری-بیکاری لیبرالها، دارودسته قاسملو و غیره از گمراهی بعضی گروههای بی‌تجربه که به دنبال خیانت رهبرانشان به این راه کشیده شده‌اند، موفق شده‌اند بخشی از جوانان گمراه شده یا هوادار سازمان مجاهدین را به اقدامات تروریستی سوق دهند و تمام جنایاتی که بدست "سیا" و ساواک انجام میگیرد به حساب آنها بگذارند.

به موازات این ترور و توطئه‌ها در خارج از کشور ساواکیهای فراری، طرفداران بختیار خائن، طالقانیها گروههای چپ سیاه ساخته پیکار - رنجبر، طرفداران قاسملو و تحت حمایت پلیس کشورهای سرمایه‌داری، رسانه‌های خبری امپریالیستی، دست به یک سلسله عملیات خرابکارانه از جمله حمله بمنزل کتاب، کتک، تهدید به مرگ دانشجویان مبارز و طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، زده‌اند.

بطور نمونه میتوان از ترور یک دانشجوی مسلمان مبارز در ایتالیا که توسط ضدانقلاب انجام شد، حمله به دانشجویان هوادار انقلاب در امریکا که منجر به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن ۵۷ نفر گردید، حمله اوباشانه به میز کتاب دانشجویان انقلابی در منزای دانشگاه آلمان که ۹ نفر ایرانی و یک نفر آلمانی زخمی شدند، حمله به میز کتاب دانشجویان طرفدار انقلاب در بن و در ادامه این توطئه‌های نوق حمله به میز کتاب دانشجویان هوادار انقلاب در اوسلو که صدماتی بهمراه داشت، مضروب کردن یک دانشجو در لوند

ننگ و نفرت بر حزب خائن توده عامل و

و گوتنبرگ و نهایتاً حمله وحشتناک بیش از ۳۰ نفر از سلطنت طلبان، پیکاریها، کومه‌له‌ی‌ها و غیره به میز کتاب دانشجویان مسلمان در دانشگاه اوپسالا یاد کرد که منجر به زخمی شدن ۲ نفر مسئول میز کتاب گردید. تمام کتابها را پاره کردند و مقادیر زیادی پول که جهت کمک به جنگ زدگان جمع‌آوری شده بود غارت کردند.

بالاخره روز دوشنبه ۹ نوامبر ۴۰ نفر از همان اوباشان هفته قبل که خود را "دانشجو" و طرفدار "دمکراسی" در ایران مینامند بطور سازمان یافته از شهرهای مختلف سوئد در دانشگاه اوپسالا جمع شدند و با شیوه شعبان بی مخی با چوب و چاقو، میله‌های آهنی و وسائل دیگر به ۵ نفر از دانشجویان طرفدار انقلاب که در حال نصب اعلامیه بودند، حمله ور شده و آنها را شدیداً به قصد کشت مورد ضرب و شتم قرار داده و مجروح می‌نمایند، بطوریکه آنها به بیمارستان منتقل می‌شوند، سر و صورت یکی از دانشجویان مسلمان مبارز که شدیداً مضروب شده بود مورد عمل جراحی قرار گرفت و حال او وخیم است. این اوباشان همچنین خسارات زیادی هم به دانشگاه وارد می‌آورند. گروهکهای آمریکائی با متشنج کردن محیط آرام آموزشی دانشگاه تنفر دانشجویان سوئدی را نیز برانگیخته و بدینسان خود را بیشتر افشاء کرده و "دمکراسی" خواست خود را بمعرض نمایش گذاشتند.

ما دانشجویان هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحداً این عمل ناجوانمردانه و فاشیستی آنها که در رابطه با توطئه هشتم آمریکا میباشد، شدیداً محکوم و افشاء می‌نمائیم و خواستار مجازات شدید عمل آنها هستیم. از تمام دانشجویان ضدامپریالیست و مترقی و پیرو خط امام خمینی دعوت می‌نمائیم که متحداً در دست یکدیگر با افشاء چهره ضدانقلابی آنها، توطئه‌های ننگین‌شان را در خارج از کشور خنثی سازیم.

ما از مسئولین امور، مسئولین دانشگاه و افکار عمومی سوئد میخواهیم که:

۱- امنیت جانی ما در سوئد تأمین شود و جلو اعمال خشونت‌آمیز گروهکهای مشکوک ایرانی گرفته شود.

۲- مسببین این اعمال خشونت‌آمیز که منجر به مجروح شدن ۵ نفر گردید بر طبق قوانین مجازات شوند.

۳- از خدشه دار شدن آزادیهای دمکراتیک در محیط دانشگاه اوپسالا و سایر مراکز آموزشی سوئد، جلوگیری بعمل آمده شرایط لازم برای فعالیت های صنفی و سیاسی دانشجوئی در چارچوب مقررات دانشگاه فراهم آید.

۴- حقایق مربوط به انقلاب ایران در رسانه‌های گروهی منعکس گشته، ترتیبی داده شود که نیروهای هوادار جمهوری اسلامی ایران نیز بتوانند نظرات خویش را در اختیار افکار عمومی سوئد قرار دهند.

- زنده باد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برهبری امام خمینی
- مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن شماره یک خلقهای جهان و ضدانقلاب دست پرورده‌اش
- با تحکیم و تقویت صف متحد نیروهای مردمی و ضدامپریالیستی جبهه متحد ضدانقلاب را در هم شکنیم.

کمیته دفاع از انقلاب ایران در سوئد
اوپسالا ۱۹۸۱/۱۱/۱۴

سازمانها و احزاب زیر از آکسیون و خواستهای ما حمایت می‌کنند:

- سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - اپسالا
- سازمان جوانان توده ایران در سوئد
- سازمان حزب کمونیست یونان در سوئد
- سازمان جوانان کمونیست یونان - اپسالا
- حزب کارگری کمونیستهای سوئد - اپسالا

کمیته از:
انجمن دانشجویان ایرانی در لین شرینگ (س...
هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (...

کارگزار سوسیال امپریالیسم شوروی